

تنها سلاح

سخنگوی ارتش اسرائیل مدعی شد: «۹۹ درصد پرتابه‌ها (پهپاد و موشک) به سمت اسرائیل رهگیری شد. اگر تصاویر و فیلم‌های اصابت موشک‌ها به اراضی اشغالی وجود نداشت او حتما مدعی رهگیری «صد در صدی» پرتابه‌ها می‌شد و اصلا جای تعجب هم نداشت؛ کاری که فرمانده وقت سنتکام در جریان جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ کرد. آنها چاره دیگری ندارند؛ چرا باید بگویند تنها سلاح‌شان در مواجهه با موشک‌ها کار نمی‌کند؟

به گزارش سایت خبری پرسون، سید محمدعماد اعرابی در یادداشتی نوشت: «فریب» بخشی از ذات و راهبرد هر جنگی است اما وقتی با رژیم صهیونیستی سر و کار دارید؛ این راهبرد به احمقانه‌ترین شکل ممکن دنبال می‌شود. آنها تلفات و خسارات جنگ را به شدت سانسور می‌کنند و آمار اعلامی‌شان فاصله‌ای باورنکردنی با واقعیت دارد تا آنجا که حتی ساکنان اراضی اشغالی نیز ارتش رژیم صهیونیستی را دروغگو خواندند. آنها در رجزخوانی‌شان هم اغراق‌های عجیب و غریبی دارند اما وقت عمل بدون راهبرد و خالی از محتوا هستند. تازه‌ترین نمونه آن تهدیدهای توخالی نتانیاهو پس از عملیات «وعده صادق» بود که به نمایش مضحک رژیم صهیونیستی در «اصفهان» منجر شد. این عملیات آن‌قدر غیرقابل توجه بود که بسیاری از چهره‌ها و رسانه‌های رژیم صهیونیستی را سرخورده کرد و هاآرتس درباره آن نوشت: «حمله خاموش اسرائیل به اصفهان نشان داد که نتانیاهو هیچ راهبردی در قبال ایران و غزه ندارد! نتانیاهو با صحبت درباره تهدید ایران [سر و صدا] کرد اما وقتی لحظه حقیقت فرا رسید، چیزی برای گفتن نداشت.» رهگیری موشک‌ها و پهپادهای ایران در عملیات وعده صادق نیز یکی دیگر از اغراق‌های عریان آنها بود.

«دانیل هاگاری»، سخنگوی ارتش اسرائیل ۱۴ آوریل (۲۶ فروردین) در اولین واکنش به عملیات «وعده صادق» مدعی شد: «۹۹ درصد پرتابه‌ها (پهپاد و موشک) به سمت اسرائیل رهگیری شد که یک دستاورد راهبردی مهم است...»

از حدود ۱۷۰ هواپیمای بدون سرنشین (پهپاد) که ایران پرتاب کرد، هیچ یک از آنها وارد خاک اسرائیل نشده است... از بیش از ۳۰ موشک کروزر پرتاب شده توسط ایران، هیچ یک وارد خاک اسرائیل نشد. از بیش از ۱۲۰ موشک بالستیک، تنها تعدادی از آنها وارد خاک اسرائیل شدند و بقیه رهگیری شدند.»

این جملات یادآور یک ادعای دیگر در سال ۱۹۹۱ است. وقتی ژنرال «نورمن شوارتسکف»، فرمانده وقت ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) و فرمانده نیروهای ائتلاف بین‌المللی علیه عراق طی جنگ خلیج فارس در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۱ (دو هفته پس از شروع جنگ) درباره عملکرد سامانه ضد موشکی پاتریوت گفت: «پاتریوت تاکنون صد در صد موفقیت‌آمیز بوده است. از ۳۳ شلیک، هر ۳۳ مورد به [رهگیری و] انهدام انجامیده‌اند.» پس از حمله رژیم بعث عراق به کویت و اشغال این کشور در اگوست ۱۹۹۰ (مرداد ۱۳۶۹) آمریکا ائتلافی برای حمله به عراق تشکیل داد. ائتلافی که شامل برخی کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی، مصر و کویت می‌شد. صدام، دیکتاتور وقت عراق با هدف از بین بردن این ائتلاف، سعی کرد پای اسرائیل را علیه خود به این جنگ باز کند تا کشورهای عربی ائتلاف را هم‌پیمان با اسرائیل نشان دهد. صدام می‌خواست با این کار از فشار افکار عمومی جهان عرب علیه کشورهای عربی ائتلاف و برای خارج کردن آنها از ائتلاف آمریکا استفاده کند. دیکتاتور وقت عراق به همین منظور، رژیم صهیونیستی را با موشک‌های بومی‌شده «اسکاد» (شوری) هدف قرار داد.

آمریکا با آگاهی از این سیاست، رژیم صهیونیستی را متقاعد کرده بود تا به هیچ عنوان وارد جنگ نشود. نیروهای آمریکایی همچنین اراضی اشغالی و عربستان سعودی را که در تیررس موشک‌های عراق قرار داشتند، تحت پوشش سامانه ضد موشکی پاتریوت قرار دادند. سامانه‌ای که تبلیغات فراوانی درباره عملکرد فوق‌العاده‌اش انجام می‌شد. سامانه پاتریوت در مرکز توجه رسانه‌ها قرار گرفته بود. اخبار تلویزیونی صحنه‌هایی را به عنوان درگیری چشمگیر اسکاد و پدافند پاتریوت نشان می‌داد. رئیس‌جمهور آمریکا از فناوری قابل توجه آن ابراز خشنودی می‌کرد و سیاستمداران و تحلیلگران آمریکایی مطالبی درباره قدرت و ارزشمندی این سامانه می‌نوشتند.

اما کمتر از یک ماه پس از آنکه فرمانده وقت سنتکام عملکرد سامانه پاتریوت را «صد درصد» موفقیت‌آمیز توصیف کرده بود؛ جورج بوش پدر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا این آمار را ۳ درصد کاهش داد و در ۱۵ فوریه ۱۹۹۱ اعلام کرد:

«از ۴۲ موشک شلیک شده، ۴۱ موشک رهگیری شده است.» یعنی موفقیتی حدودا نود و هفت درصدی. کاهش آمار موفقیت به همین‌جا ختم نشد. دو هفته پس از پایان جنگ خلیج فارس در ۱۳ مارس ۱۹۹۱ مسئولان ارتش آمریکا طی سخنان‌شان در کنگره با اعلام اینکه از ۴۷ موشک شلیک شده، ۴۵ مورد رهگیری شده‌اند؛ میزان موفقیت را دو درصد دیگر پایین آوردند و به حدود ۹۵ درصد رساندند. دو ماه پس از پایان جنگ، در ۲۵ آوریل ۱۹۹۱ نایب‌رئیس شرکت «ریتون» (شرکت سازنده سامانه پاتریوت) با تمام تلاشش برای اثبات کارآمدی این سامانه گفت: «۹۰ درصد از موشک‌های شلیک شده به عربستان و ۵۰ درصد از موشک‌های شلیک‌شده به اسرائیل منهدم شده‌اند.» روند کاهش میزان موفقیت سامانه پاتریوت در روزها و ماه‌های بعد بنابر تحقیقات مستمر و دقیق مؤسسات دولتی آمریکا همین‌طور ادامه داشت: ۸۰ درصد موفقیت در عربستان و ۵۰ درصد در اسرائیل؛ ۶۰ درصد در کل؛ ۲۵ درصد با اطمینان کامل؛ ۹ درصد با اطمینان کامل.

در واقع هر چه بیشتر درباره رهگیری و انهدام موشک‌های اسکاد توسط سامانه پدافندی پاتریوت در جنگ خلیج فارس تحقیق می‌شد، میزان موفقیت آن بیشتر کاهش پیدا می‌کرد و در نهایت به این جمله رسید: «یک مورد در عربستان و شاید یکی هم در اسرائیل مصداق داشته است.»

موشک‌های اسکاد رژیم بعث عراق به دلیل ساختار قدیمی و عملکرد غیردقیق‌شان توسط صاحب‌نظران آمریکایی ابزارهای «بدوی» خوانده می‌شدند اما ظاهراً همین «سلاح بدوی» بیش از حد برای تسلیحات پیشرفته آنها در دسرساز شده بود. ۲۵ فوریه ۱۹۹۱ یک موشک اسکاد به پایگاه نظامی آمریکا واقع در منطقه طهران عربستان سعودی اصابت کرد و ۲۸ کشته و ۹۸ زخمی بر جای گذاشت.

این پایگاه تحت پوشش کامل سامانه پدافندی پاتریوت بود اما این سامانه حتی یک موشک هم برای رهگیری و انهدام اسکاد عراقی شلیک نکرد! اطلاعات آماری چندانی در مورد موشک‌های شلیک شده به سمت عربستان در زمستان ۱۹۹۱ و عملکرد سامانه پاتریوت در این کشور در دست نیست؛ اما درباره اسرائیل علی‌رغم همه پنهان‌کاری‌ها، دست‌کم آمار محدودی از طریق تصاویر و شاهدان ثبت شده است. «تئودور پوستل»، عضو برنامه مطالعاتی کنترل دفاع و نیروهای انتظامی در دانشگاه ام.آی.تی (MIT) بر اساس همین منابع اسرائیلی، عملکرد پاتریوت را یک «شکست کامل» توصیف کرد.

آماری که «پوستل» ارائه می‌دهد قابل توجه و جالب است. شلیک موشک‌های اسکاد عراقی به اسرائیل از ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ آغاز شد اما تقریباً تا ۲۰ ژانویه سامانه پاتریوت هنوز مستقر نشده بود. مجموعاً حدود ۴۰ موشک طی جنگ به سمت اسرائیل شلیک شد که تعدادی از آنها در شهرهای مورد نظر فرود نیامدند.

قبل از استقرار پاتریوت، ۱۳ موشک اسکاد به حیفا و تل‌آویو اصابت کرد که به ۲۶۹۸ آپارتمان آسیب زد و ۱۱۵ نفر را زخمی کرد. پس از استقرار پاتریوت ۱۴ تا ۱۷ موشک به سمت حیفا و تل‌آویو شلیک شد که به آسیب ۷۷۷۸ آپارتمان و زخمی شدن ۱۶۸ نفر انجامید. بر این اساس بعد از استقرار پاتریوت‌ها خسارت تقریباً سه برابر شد در حالی که تعداد اسکادهای شلیک شده تقریباً ثابت بود. طبق تحقیقات پوستل این آمار فقط این‌طور قابل توجیه بود: سامانه پدافندی پاتریوت، خودش عامل خسارات جدید شده بود. سقوط قطعات پاتریوت‌ها و اسکات‌های منفجر شده در آسمان بر روی زمین، انحراف و سقوط موشک‌های سالم پاتریوت و انفجار بر روی زمین و رهگیری موشک‌های اسکاد توسط موشک‌های پاتریوت تا سطح زمین و انفجار توأمان‌شان؛ از جمله دلایل افزایش خسارات بود.

پس از پایان ۳۹ روز حمله موشکی عراق به اسرائیل و نبرد «سلاح بدوی» صدام با پدافند «جادویی» پاتریوت، ۳۰ آپارتمان و ۱۰۰ خانه غیرقابل سکونت گزارش شدند، صدها آپارتمان نیاز به بازسازی اساسی داشتند و ۲۷۰۰ نفر مجبور به تهیه مسکن جدیدی شدند، صهیونیست‌ها معمولاً در مورد تلفات جانی لاپوشانی و آمار را بسیار کمتر از واقعیت اعلام می‌کنند اگرچه در این مورد آنها حداقل به زخمی شدن ۲۸۳ نفر و مرگ ۴ نفر اعتراف کردند.

عملکرد پاتریوت واقعاً یک «شکست کامل» بود اما با این حال بزرگنمایی «موفقیت پاتریوت» یک اصل بدیهی و گریزناپذیر برای مقامات رژیم صهیونیستی بود. به گزارش «ریک اتکینسون»، خبرنگار وقت واشنگتن‌پست هنگام جنگ وقتی یک افسر اسرائیلی پیشنهاد کرد تردیدها در مورد پاتریوت را علنی اعلام کنند، با پاسخ تند «آوراهام بن‌شوشان» از فرماندهان ارشد اسرائیلی مواجه شد: «ساکت باش! این بهترین سلاحی است که در مقابل اسکاد داریم، چون تنها سلاح است. چرا به صدام بگوییم که کار نمی‌کند!؟»

حالا باید به سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی حق داد که تعداد پرتابه‌های ایران اعم از پهپاد و موشک را سه برابر واقعیت یعنی بیش از ۳۰۰ فروند اعلام کند و در مقابل دوربین‌ها بگوید «۹۹ درصد پرتابه‌های شلیک شده به سمت اسرائیل رهگیری شد». اگر تصاویر و فیلم‌های اصابت موشک‌ها به اراضی اشغالی وجود نداشت او حتما مدعی رهگیری «صد در صدی» پرتابه‌ها می‌شد و اصلاً جای تعجب هم نداشت؛ کاری که فرمانده وقت سنتکام در جریان جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ کرد. آنها چاره دیگری ندارند؛ چرا باید بگویند تنها سلاح‌شان در مواجهه با موشک‌ها کار نمی‌کند؟

درسی که صهیونیست‌ها از جنگ خلیج فارس گرفتند این بود که «بزرگنمایی پدافند ضد موشکی» سلاحی به مراتب کارآمدتر از خود «پدافند ضد موشکی» است. این درس اکنون آویزه گوش آنها شده است. شاید اگر اطلاعات و آمار عملکرد پدافند هوایی رژیم صهیونیستی در ۲۶ فروردین (۱۴ آوریل) برای ساکنان اراضی اشغالی منتشر شود، فرودگاه بن‌گوریون و دیگر فرودگاه‌های رژیم صهیونیستی مملو از جمعیتی باشد که برای فرار از اسرائیل صف کشیده‌اند.